

تحلیل تأثیر بیش اعتمادی و اجتناب مالیاتی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

فریبا آقابابایی^{۱*}

سعید یادگاری^۲

احسان رجایی زاده هرندی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

چکیده

سود به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین اقلام صورت‌های مالی در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی محسوب می‌شود که توسط افراد بسیاری مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما گاهی اوقات مدیران به دلیل حداکثر کردن منافع خود، ممکن است سود را طوری گزارش کنند که با هدف تأمین منافع عمومی استفاده‌کنندگان مغایرت داشته باشد. به مجموعه اقداماتی که مدیران در جهت آراستن اطلاعات برای دستیابی به اهداف خاص انجام می‌دهند، مدیریت سود اطلاق می‌شود. گزارشگری مالی، اطلاعات خاص یک شرکت را از دیدگاه مدیریت دسته‌بندی می‌کند و آن را به صورت معنی‌دار برای استفاده‌کنندگان ارائه می‌نماید و سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان بالقوه و مشاوران آن‌ها از آن به‌عنوان مبنا و اساسی برای تصمیم‌گیری جهت تخصیص سرمایه استفاده می‌کنند. نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات به افراد برون‌سازمانی به روشی معتبر و به موقع است. بر اساس مطالب بیان شده، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین بیش اعتمادی و اجتناب مالیاتی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی و مدیریت سود می‌پردازد. به منظور دستیابی به هدف فوق، اقدام به تدوین چهار فرضیه شد. بر این اساس به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۳۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ انتخاب شد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که ارتباط منفی بین بیش اعتمادی و اجتناب مالیاتی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی برقرار است بدین معنی که با افزایش بیش اعتمادی و اجتناب مالیاتی مدیران، کیفیت گزارشگری مالی کاهش خواهد یافت؛ علاوه بر این، بین بیش اعتمادی و اجتناب مالیاتی مدیران بر مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری برقرار است بدین معنی که با افزایش بیش اعتمادی و اجتناب مالیاتی مدیران، مدیریت سود افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی

کیفیت گزارشگری مالی، مدیریت سود، بیش اعتمادی مدیران، اجتناب مالیاتی

۱. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید اشرفی، اصفهان، ایران. (faribaaghababae72@gmail.com)

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید اشرفی، اصفهان، ایران. (Syadegari115@yahoo.com)

۳. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران. (ehsanrajaeezadeh@yahoo.com)

۱- مقدمه

اجتناب از پرداخت مالیات فرآیندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات بر درآمد به سازمان مالیاتی می‌کنند. پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و جوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران می‌شود. از این رو به‌طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن اقداماتی را جهت اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهند (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۵).

بیش اطمینانی یا اعتماد بیش از حد به خود را می‌توان اعتقادی بی اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد تعریف کرد. مفهوم بیش اطمینانی در مجموعه وسیعی از بررسی‌ها و آزمایش‌های روان‌شناسانه از نوع شناختی بررسی شده است که نشان می‌دهد افراد هم درباره توانایی‌هایشان در پیش‌بینی و هم درباره دقت اطلاعات شان، برآوردی بیش از اندازه دارند. همچنین در تخمین احتمالات ضعیف عمل می‌کنند و اغلب رویدادهایی با احتمال وقوع بسیار کمتر از صد در صد را حتمی می‌دانند. به طور خلاصه می‌توان گفت این گونه افراد خود را از آنچه در واقعیت هستند، باهوش‌تر می‌پندارند و بر این باورند که اطلاعات بهتری در اختیار دارند. برای مثال، هنگام تصمیم‌گیری به منظور سرمایه‌گذاری در شرکتی خاص، اغلب انتظار زیان را نادیده می‌گیرند و اگر شرکت عملکرد ضعیفی داشته باشد، احساس تعجب یا نارضایتی می‌کنند. مدیران بیش اطمینان در نتیجه این باور که آن‌ها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند و دیگران از آن بی‌بهره‌اند، دقت اطلاعات و به تبع آن، سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. مدیران بیش اطمینان احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب را بر جریان‌های نقدی شرکت بیشتر از واقعیت تخمین می‌زنند و آن را برای رویدادهای منفی کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنند (جانسون و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

سود به عنوان نتیجه نهایی فرآیند حسابداری و اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی، مورد توجه و تأکید استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری است؛ اما گاهی اوقات مدیران به دلیل حداکثر کردن منافع خود و رسیدن به اهداف خاصی که منطقی‌منافع‌عده‌ای خاص را تأمین می‌کند، ممکن است سود را طوری گزارش کنند که با هدف تأمین منافع عمومی استفاده‌کنندگان مغایرت داشته باشد. به مجموعه اقداماتی که مدیران در جهت آراستن اطلاعات برای دستیابی به اهداف خاص انجام می‌دهند، مدیریت سود اطلاق می‌شود (مشایخی و حسین‌پور، ۱۳۹۵). مدیریت سود ممکن است تحت تأثیر عوامل متعددی قرار بگیرد. یکی از مواردی که می‌توان تأثیری عمده بر میزان سود گزارش شده داشته باشد، نرخ مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد.

خوش‌بینی بیش از حد، از نشانه‌های تئوریک بیش اعتمادی است که انگیزه برای مطالعات تجربی در مورد بسیاری از مدیران عامل دارای بیش اعتمادی را ایجاد می‌کند (اسکالا^۲، ۲۰۰۸). افراد بیش از حد خوشبین تمایل به برآورد خوش‌بینانه تخفیف خالص بازپرداخت‌های مورد انتظار از تلاش‌های نامطمئن دارند که این امر یا به دلیل گرایش عمومی به انتظار نتایج خوب و یا به دلیل این است که درجه تأثیرشان را در موفقیت کسب شده دست بالا می‌گیرند.

¹ Johnson et al

² Skala

بر این اساس پژوهش‌های قبلی ارتباط مثبت میان مدیران عامل دارای بیش اعتمادی و رفتار ریسک‌پذیری را مستند کرده‌اند (چیز و همکاران^۳، ۲۰۱۴).

با توجه به سیاست مالیاتی شرکت‌های سهامی پی‌بینی می‌شود که خوش‌بینی بیش از حد به سطوح بالاتری از اجتناب مالیاتی بیانجامد. این امر می‌تواند نتیجه دست‌بالا گرفتن بازده به سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی توسط مدیران، دست‌کم گرفتن هزینه‌های غیر مالیاتی یا ترکیبی از هر دو باشد. مستندسازی شواهد در حمایت از این پیش‌بینی فرصتی را برای تعمیم تحقیق فراهم می‌سازد که نشان می‌دهد صفات اجرایی فرد روی تمایل مدیران اجرائی به سرمایه‌گذاری در اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. در زمینه گزینه‌های سیاست مالیاتی، مدیران بیش اعتماد احتمال این را که موقعیت‌های مالیاتی آن‌ها پایدار خواهند ماند یا تأیید خواهند شد را دست‌بالا می‌گیرند. اجتناب از پرداخت مالیات و بیش اعتمادی می‌تواند به ابزاری برای کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها تبدیل شوند (می‌بری و همکاران^۴، ۲۰۱۲).

استفاده از سود به عنوان شاخص عملکرد ممکن است با اعمال نظر مدیریت همراه باشد. از یک طرف اعمال نظر مدیریت ممکن است به سبب انگیزه فرصت‌طلبی در جهت منافع شخصی باشد که به آن دستکاری فرصت‌طلبانه می‌گویند. از طرف دیگر، ممکن است مدیران به دلیل دسترسی داشتن به اطلاعات محرمانه مربوط به شرکت با اعمال نظر در رویه‌های حسابداری در صدد انتقال اطلاعات شخصی به استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی برآیند. مورد اخیر باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سود حسابداری می‌شود که خود سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و استفاده‌کنندگان و همچنین افزایش ارزش گزارشگری مالی از نظر مربوط بودن می‌شود. به هر حال مدیریت سود پدیده‌ای است که در بطن گزارشگری مالی قرار دارد و ارقام گزارش شده سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مهدی‌فرد و رویایی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین در صورت محدود کردن دامنه اعمال نظرات فرصت‌طلبانه از سوی مدیریت، گزارشگری مالی از محتوای اطلاعاتی افزون‌تری برخوردار می‌شود. این کار از طریق تدوین استانداردهای حسابداری و همچنین با توجه به نقش حسابرسان در معتبر نمودن گزارشات مالی انجام می‌شود.

استفاده‌کنندگان در قبال پرداخت هزینه‌هایی از جمله هزینه‌های حسابرسی سعی در کاهش محدوده اعمال نظرات فرصت‌طلبانه مدیریت دارند. بدین ترتیب، فرآیند تعیین سود نتیجه مصالحه بین دو ویژگی مربوط بودن و قابل اتکا بودن می‌باشد. اهداف گزارشگری مالی ایجاب می‌کند اطلاعاتی که گزارشگری مالی فراهم می‌آورد از ویژگی‌های معینی برخوردار باشد. دو ویژگی که اطلاعات مالی را مفید می‌سازد، شامل مربوط بودن و قابلیت اتکاء است معمولاً این دو ویژگی را نمی‌توان حداکثر نمود؛ بنابراین طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ایران، هدف دستیابی به نوعی توازن بین خصوصیات مربوط بودن و قابلیت اتکاء است (عاطفی منش و کشاورز، ۱۳۹۱).

البته در حالت کارایی بازار و با وجود تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران اگر مدیریت سود در جهت منافع مدیران انجام شود، چنین عملی در بازار کارا بر برداشت بازار نسبت به عملکرد شرکت به دلیل اینکه استفاده‌کنندگان علاوه بر صورت‌های مالی از منابع اطلاعاتی دیگر نیز استفاده می‌کنند، خنثی می‌شود. به این ترتیب مدیریت سود فرصت‌طلبانه در بازار کارا باعث افزایش پاداش مدیران نمی‌شود؛ بنابراین چگونگی برخورد بازار با مدیریت سود

³ Chiz et al

⁴ Mayberry et al

می‌تواند درجه‌ای از کارایی اطلاعاتی بازار نیز تلقی شود. وجود گسترده پدیده مدیریت سود در بین مدیران به نوعی با ادعای کارایی بازار در تناقض است (زینالی و آقاییگی، ۱۳۹۸).

تحقیقات در این زمینه همواره با مشکلات زیادی روبرو بوده است. وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران، می‌تواند باعث شود تا تأمین کنندگان سرمایه شرکت، قیمت سهام را کاهش و هزینه تأمین مالی شرکت را افزایش دهند، زیرا سرمایه‌گذاران این گونه استنباط می‌کنند که شرکت‌هایی که در حال تأمین مالی هستند، به شیوه‌ای نامناسب عمل می‌کنند. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که آیا بیش اعتمادی و اجتناب مالیاتی مدیران در کیفیت گزارشگری مالی و مدیریت سود تأثیر دارد؟

۲- چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در حسابداری بر این نکته تأکید دارند که شرکت‌هایی که دارای کیفیت بالای حسابداری می‌باشند، بازگشت سرمایه بهتر و همچنین بازدهی بالاتری در سرمایه‌گذاری خود داشته و کیفیت بالاتر حسابداری بهره‌وری سرمایه‌گذاری در داری‌های سرمایه‌ای را نیز به صورت میانگین افزایش می‌دهد. همچنین براساس نتایج، شرکت‌هایی که دارای کیفیت حسابداری بالاتری هستند، امکان به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در اقلام سرمایه‌ای را برای خود کاهش داده و الگویی از سرمایه‌گذاری در اقلام سرمایه‌ای را ارائه می‌دهند که علی‌رغم پایداری بیشتر، بسیار ناهمگون و متفاوت با سایر شرکت‌ها می‌باشد (بیدل و همکاران^۵، ۲۰۰۹).

روی هم رفته، کیفیت گزارشگری مالی به‌عنوان منبع اطلاعاتی بسیار مهم برای گروه‌های مختلف به شمار می‌رود و به خصوص اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران را برای گرفتن تصمیم‌های بهتر توانا می‌کند. به عبارت دیگر، کیفیت گزارشگری مالی با کنترل بهتر مدیران و کاهش پیامدهای نامطلوب عدم تقارن اطلاعاتی، یعنی گزینش نادرست و خطر اخلاقی، از مشکلات سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری کمتر از حد می‌کاهد. از سوی دیگر با ارائه ارقام حسابداری شایسته اتکا و شناسایی بهتر پروژه‌ها، زمینه لازم را برای اتخاذ تصمیم‌های بهینه سرمایه‌گذاری مدیران و به تبع آن کارایی سرمایه‌گذاری را فراهم می‌آورد (صفری گرایلی و رعنائی، ۱۳۹۶).

پیچیدگی‌های سازمانی و گسترش فعالیت‌های تجاری و افزایش روز افزون تعداد شرکت‌ها در اغلب کشورها موجب شده است که مدیران سازمان‌ها با توجه به مسئولیت خود در راستای دستیابی به اهداف سازمان و توانایی رقابت با شرکت‌های دیگر، تأکید بیشتری بر حفظ منابع و جلوگیری از کاهش نقدینگی داشته باشند. ایجاد منابع مالی و بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری‌های سازمان یافته نیازمند جلب رضایت سرمایه‌گذاران از طریق شفاف‌سازی اطلاعاتی می‌باشد. در جهت ایجاد ارتباطی سازمان یافته با سهامداران مبحث مدیریت سود مطرح و مورد استفاده قرار گرفته است. در این خصوص لومیس و همکاران^۶ (۱۹۹۹) معتقد است که مدیریت سود عملی شایع در بین شرکت‌ها بوده و مدیران شرکت‌ها از مدیریت سود به عنوان ابزاری برای اطمینان از حصول تحقق اهداف درآمدی شرکت‌ها استفاده می‌کنند.

شرکت‌ها به دلایل مختلف، از جمله برای دستیابی به معیار پیش‌بینی (وربروگین و همکاران^۷، ۲۰۰۸)، برای دستیابی به هدف سود یا پنهان کردن وضعیت مالی نامناسب، عملکرد تورم مالی را گزارش می‌دهند. به عنوان مثال، از مدیریت سود

⁵ Biddle et al

⁶ Loomis et al

⁷ Verbruggen et al

برای جلوگیری از نقض میثاق بدهی در مواقع پریشانی مالی استفاده می‌شود، که امکان دسترسی بیشتر به اهرم مالی را فراهم می‌کند (چاریتو و همکاران^۸، ۲۰۰۷). استفاده از مدیریت سود نشان دهنده جهت‌گیری مدیریت نسبت به اهداف کوتاه‌مدت است (به‌عنوان مثال اعتماد به نفس سرمایه‌گذاران، بررسی مثبت مدیریتی و غیره) به جای پاسخگویی به هدف بلندمدت و شفافیت که می‌تواند جریان پایدار مسئولیت یا سرمایه‌گذاری در سهام را به انجام برساند و بنابراین، توانایی نگرانی شرکت‌ها را کاهش دهد.

مدیران با اعتماد بیش از حد در نتیجه این باور که آن‌ها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند که دیگران فاقد آن هستند، به آینده شرکت زیادی امیدوار بوده و این تخصیصه موجب می‌گردد اثر برخی عوامل مانند تورم، نرخ ارز، تحریم‌ها و انواع دیگر ریسک‌هایی که عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند نادیده بگیرند، لذا در این وضعیت به علت در نظر نگرفتن برخی عوامل پیش‌بینی نشده، موجبات کاهش دقت پیش‌بینی سود شرکت فراهم و عملکرد مالی شرکت کاهش می‌یابد (چن و همکاران^۹، ۲۰۱۴). افزون بر این، کاهش سودآوری و عملکرد مالی شرکت می‌تواند مشوقی برای وقوع مدیریت سود در گزارشگری مالی شود و برخی مدیران به علت تمایل به آرامش و جلوه دادن وضعیت خوب برای شرکت، اقدام به دستکاری و مدیریت سود نمایند که این امر کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد (بن دیوید^{۱۰}، ۲۰۱۳).

مطابق با نظریه نمایندگی، اجتناب مالیاتی منجر به شفاف نبودن اطلاعات ارائه شده به وسیله مدیریت و ایجاد ابهام در فضای اطلاعاتی می‌شود. بدیهی است اگر مزایای مالیاتی مربوط به اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شود باید برای آن هزینه‌هایی را پرداخت کرد که در ادبیات حسابداری این هزینه‌ها با عنوان هزینه ابهام یا عدم تقارن اطلاعات اطلاعات مطرح می‌شود. اجتناب مالیاتی می‌تواند محیط اطلاعاتی شرکتی را تحت تأثیر قرار داده و به این ترتیب منجر به عدم تقارن اطلاعاتی شود؛ به عبارت دیگر، اجتناب مالیاتی، پیچیدگی‌های معاملاتی و فعالیتهای مالی را افزایش داده و مدیران با انجام این کار، مقامات مالیاتی را برای کشف پیچیدگی‌ها گمراه کرده و سرانجام، باعث ایجاد ابهام در محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود (لانیس و ریچاردسون^{۱۱}، ۲۰۱۸).

۲-۱- پیشینه پژوهش

گائو و هان^{۱۲} (۲۰۱۸) پژوهشی را تحت عنوان «تأثیر اعتماد به نفس بیش از مدیریتی در مدیریت سود» انجام دادند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی بر مدیریت سود تعهدی و واقعی است. نتایج نشان می‌دهد که اعتماد به نفس بالای مدیریتی به ترتیب به‌طور معناداری و مثبت بر مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی تأثیر می‌گذارد.

⁸ Charitou et al

⁹ Chen et al

¹⁰ Ben David

¹¹ Lanis and Richardson

¹² Gao and Han

جای و ریو^{۱۳} (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی و مدیریت سود واقعی: شواهدی از کره» به بررسی اعتماد به نفس بیش از حد به عنوان بخشی از ویژگی‌های شناختی مدیران و تأثیر آن بر مدیریت سود واقعی می‌پردازند. در مطالعه شرکت‌های ذکر شده در بورس کره برای دوره ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۱، مشخص شد که اعتماد به نفس بالای مدیریتی با مدیریت سود واقعی رابطه منفی دارد؛ به عبارت دیگر، مدیران با اعتماد به نفس بالا از مدیریت سود واقعی طرفداری نمی‌کنند.

بالاکریشنان و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین رویه‌های جسورانه مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی» به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. این محققان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیلگران به عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج پژوهش نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌های با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند.

مهدوی تیله‌نوئی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی در رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت افشای گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. برای این منظور از داده‌های مربوط به ۱۸۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۶ مربوط به متغیرهای پژوهش استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی به طور مستقیم و مثبت بر کیفیت افشای گزارشگری مالی تأثیر گذار است اما به صورت غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی اجتناب مالیاتی، بر کیفیت افشای صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد.

عباسی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی و محافظه‌کاری شرطی در بورس تهران» انجام دادند. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، شامل تعداد ۵۱۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ است. بر اساس نتایج فرضیه اول، اعتماد بیش از اندازه مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معناداری دارد. بر اساس نتایج فرضیه دوم، اعتماد بیش از اندازه مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی تأثیر معکوس و معناداری دارد. بر اساس نتایج فرضیه سوم، محافظه‌کاری موجب قوی‌تر شدن تأثیر معکوس بیش اطمینانی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

۲-۲- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بیش اطمینانی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه دوم: اجتناب مالیاتی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

فرضیه سوم: بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: اجتناب مالیاتی مدیران بر مدیریت سود تأثیر دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است. پژوهش کاربردی، پژوهشی است که نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنون را برای حل مسائل واقعی به کار می‌گیرد. همچنین این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی است، زیرا به دنبال

¹³ Chae and Ryu

¹⁴ Balakrishnan et al

یافتن ارتباط بین چندین متغیر است. روش شناسی پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی است، بدین معنی که انجام پژوهش براساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. در این پژوهش به منظور انجام آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره و مدل‌های اقتصادسنجی بهره گرفته شده است. تحلیل‌های آماری از طریق نرم‌افزار آماری ایویوز انجام پذیرفت. قلمرو زمانی این پژوهش، برای یک دوره هفت‌ساله از سال ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ تعیین شده و قلمرو مکانی آن نیز کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که کلیه شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱- اطلاعات صورت مالی آن‌ها از سال ۱۳۹۲ به‌طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.
 - ۲- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بیمه‌ای نباشند، زیرا ماهیت این شرکت‌ها با سایر شرکت‌های عضو بورس متفاوت است.
 - ۳- همه داده‌های متغیرهای پژوهش برای شرکت‌های موردنظر قابل دسترس باشد.
 - ۴- شرکت طی بازه زمانی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
- با توجه به شرایط فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۰ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب شد؛ بنابراین مشاهدات ما برابر با ۹۱۰ سال - شرکت خواهد بود.

۱-۳- مدل و متغیرهای پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی برحسب روابط زیر استفاده می‌شود:

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 SALES_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 CETR_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 SALES_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 SALES_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 CETR_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 SALES_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل‌ها:

FRQ_{it} : کیفیت گزارشگری مالی، EM_{it} : مدیریت سود، OC_{it} : بیش اعتمادی مدیران، $CETR_{it}$: اجتناب مالیاتی، LEV_{it} : اهرم مالی، $SIZE_{it}$: اندازه شرکت، $SALES_{it}$: رشد فروش، AGE_{it} : عمر شرکت، $LOSS_{it}$: زیان شرکت.

متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته این پژوهش شامل کیفیت گزارشگری مالی و مدیریت سود است که به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شوند. کیفیت گزارشگری مالی (FRQ_{it}): توان صورت‌های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به‌طور خاص، پیش‌بینی جریان‌های نقد مورد انتظار آن به سرمایه‌گذاران است (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). برای محاسبه این معیار از مدل کاسزینک (۱۹۹۹) طبق رابطه زیر استفاده می‌شود که این مدل در زمینه کیفیت گزارشگری مالی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است (گوماریز و بالستا^{۱۵}، ۲۰۱۴).

$$TA_{it} = \beta_0 + \beta_1 \Delta SALES_{it} + \beta_2 PPE_{it} + \beta_3 \Delta CFO_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$TA = (\Delta CA - \Delta CASH) - (\Delta CL - \Delta STD)$$

در آن TA_{it} نماینده کل ارقام تعهدی، جریان نقدی عملیاتی، $\Delta SALES$ تغییرات فروش، PPE_{it} ناخالص دارایی‌های ثابت مشهود، ΔCFO_{it} تغییر در جریان نقد عملیاتی، ΔCA تغییر در دارایی‌های جاری، $\Delta CASH$ تغییر در وجوه نقد،

ΔCL تغییر در بدهی‌های جاری و ΔSTD تغییر در درآمد می‌باشد.

به‌منظور همگن و استاندارد شدن داده‌ها در سطح شرکت‌های مختلف، همه متغیرها بر جمع کل دارایی‌های ابتدای سال تقسیم می‌شود. متغیر E جمله‌ای پسماند است نشان دهنده کیفیت گزارشگری مالی است. به‌منظور تفسیر بهتر نتایج، مقدار آن در منفی یک ضرب می‌شود، بدین ترتیب، مقدار بالاتر نشانگر کیفیت گزارشگری بیشتر است.

مدیریت سود (EM_{it}): سطح اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان شاخصی از مدیریت سود در نظر گرفته می‌شود، که برای اندازه‌گیری آن از مدل جونز^{۱۶} (۱۹۹۱) مطابق رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$\frac{TACC_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

$$TA = OI - CFO$$

که در این مدل $TACC_{i,t}$ نماینده کل اقلام تعهدی است، $\Delta REV_{i,t}$ تغییرات کل درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل، $PPE_{i,t}$ ناخالص دارایی‌های ثابت مشهود، $A_{i,t-1}$ دارایی سال قبل شرکت، CFO وجه نقد حاصل از عملیات و OI سود عملیاتی می‌باشد.

اگر مقدار E مدل مثبت باشد، بیانگر نقاط بالای خط رگرسیون است؛ یعنی، مقادیر واقعی اقلام تعهدی در این نقاط بالاتر از مقادیر پیش‌بینی شده هستند. لذا، مدیریت سود در این نقاط از نوع حداکثری سود می‌باشد. اگر این مقادیر خطا منفی باشد نشان‌دهنده حداقل سازی سود می‌باشد، چنانچه مقادیر خطا نرمال باشد، هموارسازی سود می‌باشد و چنانچه از مقادیر خطای حاصل شده قدر مطلق گرفته شود، نتایج بدون توجه به مقادیر مثبت و منفی نشان‌دهنده انحراف از اقلام تعهدی عادی است. لذا از مقادیر خطای حاصل شده قدر مطلق گرفته تا بیانگر مدیریت سود بدون توجه به نوع آن باشد (واحدی انور و همکاران، ۱۳۹۶).

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در این پژوهش، شامل بیش اطمینانی و اجتناب مالیاتی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند. بیش اطمینانی (OC_{it}): برای اندازه‌گیری اعتماد به نفس کاذب مدیریتی مدل پیشنهادی هونگ و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۶) به صورت مدل زیر استفاده می‌شود. یکی از نشانه‌های مدیران خوشبین این است که در مقایسه با فروش شرکت، سرمایه‌گذاری بیش از حدی در دارایی‌ها انجام می‌دهند.

$$AssetGrowth_{it} = \beta_0 + \beta_1 SalesGrowth_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه:

$AssetGrowth_{it}$: رشد دارایی‌های شرکت i در سال t

$SalesGrowth_{it}$: رشد در فروش شرکت i در سال t

اگر باقیمانده رگرسیون رشد کل دارایی‌ها بر رشد فروش بزرگتر از صفر باشد، به این متغیر عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیر این صورت به آن عدد صفر داده می‌شود (زینالی و آقاییگی، ۱۳۹۸).

اجتناب مالیاتی ($CETR_{it}$): به‌منظور شناسایی شرکت‌های درگیر در سطوح متفاوت اجتناب مالیاتی، از معیار نقدی نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شده است. نرخ مؤثر مالی نقدی به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در نظر گرفته شده است که برابر است با کل هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات شرکت؛ که از رابطه زیر استفاده می‌شود:

¹⁶ Jones

¹⁷ Huang et al

$$CETR_{it} = \frac{TTE_{it}}{PTE_{it}}$$

که در آن:

$CETR_{it}$: نرخ مؤثر مالیاتی شرکت i در سال t

TTE_{it} : کل هزینه مالیات شرکت i در سال t

PTE_{it} : سود قبل از مالیات شرکت i در سال t

هر چه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است (صفری گرایلی و پودینه، ۱۳۹۵). لازم به ذکر است که به منظور تفسیر بهتر این متغیر، در عدد (-۱) ضرب شده است، که در این صورت هر چه مقدار نرخ مؤثر مالیاتی شرکت بیشتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت نیز بیشتر است.

متغیرهای کنترلی

اهرم مالی (LEV_{it}): از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.

رشد فروش ($SALES_{it}$): درصد تغییر در مجموع فروش شرکت نسبت به سال قبل.

عمر شرکت (AGE_{it}): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده است.

زیان شرکت ($LOSS_{it}$): یک متغیر مجازی است که اگر شرکت طی دوره مالی گزارش زیان داشته باشد عدد ۱ در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول شماره (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی

پنل متغیرهای پیوسته						
متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهده
کیفیت گزارشگری	۰/۰۳۱	۰/۰۲۰	۰/۴۵۱	-۰/۱۲۳	۰/۱۲۵	۹۱۰
مدیریت سود	۰/۱۱۵	۰/۰۷۷	۰/۶۳۵	۰/۰۰۲	۰/۱۱۴	۹۱۰
اجتناب مالیاتی	-۰/۰۹۸	-۰/۰۹۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۷۹	۰/۰۹۳	۹۱۰
اهرم مالی	۰/۶۰۷	۰/۶۰۳	۰/۹۶۷	۰/۲۱۲	۰/۲۰۸	۹۱۰
اندازه شرکت	۱۴/۳۷۱	۱۴/۲۹۲	۲۰/۱۸۳	۱۱/۱۶۱	۱/۴۶۳	۹۱۰
رشد فروش	۰/۲۳۸	۰/۱۷۹	۰/۹۴۹	-۰/۱۹۴	۰/۳۳۱	۹۱۰
عمر شرکت	۳/۱۱۰	۳/۰۹۱	۴/۱۸۹	۱/۳۸۶	۰/۴۷۹	۹۱۰
پنل متغیرهای گسسته						
متغیر	درصد یک	درصد صفر	مشاهده			
زیان شرکت	۱۶/۷۰	۸۳/۳۰	۹۱۰			

مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها می‌باشد. میانگین متغیر کیفیت گزارشگری مالی برابر با $0/031$ است. میانگین متغیرهای مدیریت سود و اجتناب مالیاتی به ترتیب $0/115$ و $0/098$ - ریسک مالی بالایی را پذیرفته‌اند. از نظر توزیع متغیرها، نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد میانگین مشاهدات و میانه آن‌ها می‌باشد. متوسط متغیر بیش اطمینانی مدیریت برابر با 36 درصد است. میانگین متغیر اهرم مالی برابر $0/607$ است که نشان می‌دهد شرکت‌ها حدود 60 درصد منابع مالی خود را، از طریق بدهی تأمین می‌کنند، می‌توان عنوان کرد که 60 درصد از شرکت‌ها اختلاف اندکی دارند. نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه مشخص می‌کند که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. در یک جامعه آماری با توزیع نرمال فرض می‌شود که ارقام به نحوی سیستماتیک و با الگوی یکنواخت در اطراف میانگین توزیع شده‌اند و احتمال قرار گرفتن متغیر در اطراف میانگین مساوی است. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی یا یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرها اجتناب مالیاتی کمترین و اندازه شرکت بیشترین میزان پراکندگی را دارا می‌باشند؛ که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تغییرات را دارا می‌باشند.

۴-۲- آزمون تعیین نوع داده‌ها

به‌منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل، از آزمون اف لیمر استفاده شده است. برای بررسی نتایج اف لیمر، در صورتی که احتمال آمار اف بیشتر از $0/05$ باشد، باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده کرد، در غیر این صورت از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. در صورت پذیرفته شده روش داده‌های تابلویی، سپس باید آزمون هاسمن را جهت انتخاب بین روش اثرات تصادفی یا ثابت بکار برد. در آزمون هاسمن، در صورتی که احتمال آماره کای دو بیشتر از $0/05$ باشد، باید از روش اثرات تصادفی و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده شود. خلاصه نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون اف لیمر و هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون اف لیمر			
نتیجه	احتمال	آماره کای دو	نتیجه	احتمال	آماره F لیمر	مدل
اثرات ثابت	$0/000$	$40/452$	تابلویی	$0/000$	$2/955$	اول
اثرات ثابت	$0/000$	$78/356$	تابلویی	$0/000$	$3/292$	دوم
اثرات ثابت	$0/006$	$4/222$	تابلویی	$0/000$	$1/849$	سوم
اثرات ثابت	$0/012$	$13/040$	تابلویی	$0/000$	$1/910$	چهارم

۴-۳- تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از برآورد مدل

جدول شماره (۳) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
بیش اعتمادی مدیران	OC	-۰/۱۰۱	۰/۰۰۹	-۱۱/۲۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	Lev	۰/۰۳۳	۰/۰۰۸	۳/۸۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	-۱/۴۵	۰/۱۴۴
رشد فروش	Sales	۰/۰۱۷	۰/۰۰۵	۳/۲۳	۰/۰۰۱
عمر شرکت	Age	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	-۰/۴۳۲	۰/۶۶۵
زیان شرکت	Loss	۰/۱۱۵	۰/۰۱۲	۹/۲۴	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	C	۰/۰۶۳	۰/۰۴۶	۱/۳۷	۱/۱۶۹
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F		
۰/۲۶۷	۰/۲۶۲	۵۵/۰۵۷	۰/۰۰۰		

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۲۶ درصد از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره (۳)، سطح معنی داری آماره t مربوط به متغیر بیش اعتمادی مدیران کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰) یعنی معنی دار است. علاوه بر این علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده رابطه معکوس بین متغیر بیش اعتمادی مدیران با متغیر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. بر این اساس فرضیه "بیش اعتمادی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد" رد نمی‌شود.

جدول شماره (۴) نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
اجتناب مالیاتی	CETR	-۰/۱۲۹	۰/۰۳۵	-۳/۶۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	Lev	۰/۰۳۳	۰/۰۰۹	۳/۶۸	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	-۲/۸۶	۰/۰۰۴
رشد فروش	Sales	۰/۰۱۰	۰/۰۰۵	۱/۹۰	۰/۰۵۷
عمر شرکت	Age	۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	۰/۲۱۰	۰/۸۳۳
زیان شرکت	Loss	۰/۱۱۵	۰/۰۱۳	۸/۳۸	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	C	۰/۰۸۹	۰/۰۴۹	۱/۸۱	۰/۰۷۰
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F		
۰/۱۷۷	۰/۱۷۱	۳۲/۳۸۲	۰/۰۰۰		

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۱۷ درصد از

تغییرات کیفیت گزارشگری مالی توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره (۴)، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر اجتناب مالیاتی کوچک‌تراز $0/05$ بوده ($0/000$) یعنی معنی‌دار است. علاوه بر این علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده رابطه معکوس بین متغیر اجتناب مالیاتی با متغیر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. بر این اساس فرضیه "اجتناب مالیاتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد" رد نمی‌شود. جدول شماره (۵) نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
بیش اعتمادی مدیران	OC	$0/075$	$0/008$	$9/22$	$0/000$
اهرم مالی	Lev	$0/013$	$0/007$	$1/78$	$0/075$
اندازه شرکت	Size	$-0/005$	$0/002$	$-2/04$	$0/040$
رشد فروش	Sales	$0/034$	$0/004$	$7/12$	$0/000$
عمر شرکت	Age	$0/024$	$0/008$	$2/99$	$0/002$
زیان شرکت	Loss	$0/046$	$0/011$	$4/14$	$0/000$
مقدار ثابت	C	$0/066$	$0/041$	$1/58$	$0/114$
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F		
$0/159$	$0/153$	$28/504$	$0/000$		

در بررسی معنی‌دار بودن کلی مدل، با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره F از $0/05$ کوچکتر می‌باشد ($0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۱۵ درصد از تغییرات مدیریت سود توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره (۵)، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر بیش اعتمادی مدیران کوچک‌تراز $0/05$ بوده ($0/000$) یعنی معنی‌دار است. علاوه بر این علامت مثبت این ضریب نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین متغیر بیش اعتمادی مدیران با متغیر مدیریت سود می‌باشد. بر این اساس فرضیه "بیش اعتمادی مدیران بر مدیریت سود تأثیر دارد" رد نمی‌شود. جدول شماره (۶) نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
اجتناب مالیاتی	CETR	$0/067$	$0/031$	$2/11$	$0/034$
اهرم مالی	Lev	$0/013$	$0/008$	$1/64$	$0/100$
اندازه شرکت	Size	$-0/002$	$0/002$	$-0/76$	$0/444$
رشد فروش	Sales	$0/039$	$0/005$	$7/78$	$0/000$
عمر شرکت	Age	$0/020$	$0/008$	$2/36$	$0/018$
زیان شرکت	Loss	$0/043$	$0/012$	$3/51$	$0/000$

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C	۰/۰۵۱	۰/۰۴۳	۱/۱۶	۰/۲۴۲
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F		
۰/۲۸۴	۰/۲۷۸	۱۳/۹۱۱	۰/۰۰۰		

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۲۷ درصد از تغییرات مدیریت سود توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره (۶)، سطح معنی داری آماره t مربوط به متغیر اجتناب مالیاتی کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۳۴) یعنی معنی دار است. علاوه بر این علامت مثبت این ضریب نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین متغیر اجتناب مالیاتی با متغیر مدیریت سود می‌باشد. بر این اساس فرضیه "اجتناب مالیاتی بر مدیریت سود تأثیر دارد" رد نمی‌شود.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته شد. مدیران با اعتماد بیش از حد در نتیجه این باور که آن‌ها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند که دیگران فاقد آن هستند، به آینده شرکت زیادی امیدوار بوده و این خصیصه موجب می‌گردد اثر برخی عوامل مانند تورم، نرخ ارز، تحریم‌ها و انواع دیگر ریسک‌هایی که عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند نادیده بگیرند، لذا در این وضعیت به علت در نظر نگرفتن برخی عوامل پیش‌بینی نشده، موجبات کاهش دقت پیش‌بینی سود شرکت فراهم و عملکرد مالی شرکت کاهش می‌یابد. افزون بر این، کاهش سودآوری و عملکرد مالی شرکت می‌تواند مشوقی برای وقوع مدیریت سود در گزارشگری مالی شود و برخی مدیران به علت تمایل به آرامش و جلوه دادن وضعیت خوب برای شرکت، اقدام به دستکاری و مدیریت سود نمایند که این امر کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. پس می‌توان بیان کرد با افزایش بیش اعتمادی مدیران، میزان کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. بر این اساس فرضیه "بیش اعتمادی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد" رد نمی‌شود.

در فرضیه دوم به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی مدیران و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته شد. مطابق با نظریه نمایندگی، اجتناب مالیاتی منجر به شفاف نبودن اطلاعات ارائه شده به وسیله مدیریت و ایجاد ابهام در فضای اطلاعاتی می‌شود. بدیهی است اگر مزایای مالیاتی مربوط به اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شود باید برای آن هزینه‌هایی را پرداخت کرد که در ادبیات حسابداری این هزینه‌ها با عنوان هزینه ابهام یا عدم تقارن اطلاعات مطرح می‌شود. اجتناب مالیاتی می‌تواند محیط اطلاعاتی شرکتی را تحت تأثیر قرار داده و به این ترتیب منجر به عدم تقارن اطلاعاتی شود؛ به عبارت دیگر، اجتناب مالیاتی، پیچیدگی‌های معاملاتی و فعالیت‌های مالی را افزایش داده و مدیران با انجام این کار، مقامات مالیاتی را برای کشف پیچیدگی‌ها گمراه کرده و سرانجام، باعث ایجاد ابهام در محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود. پس می‌توان بیان کرد با افزایش اجتناب مالیاتی مدیران، میزان کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. بر این اساس فرضیه "اجتناب مالیاتی

مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد" رد نمی‌شود.

در فرضیه سوم به بررسی رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و مدیریت سود پرداخته شد. بیش اعتمادی مدیران منجر به پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تر می‌شود و با توجه به این که پیش‌بینی‌های مدیران به عنوان یک معیاری از تصمیم‌گیری ذینفعان است؛ بنابراین، مدیران بیش اعتماد انگیزه‌های بیشتری را برای مدیریت سود خواهند داشت. از این رو، مدیران بیش اعتماد همواره سعی بر آن دارند که اطلاعات و اخبار منفی را در پیش‌بینی‌های سود، از دید سرمایه‌گذاران پنهان و آن‌ها را در داخل شرکت به امید آن که عملکرد ضعیف‌شان با عملکردهای بهتری در آینده پوشیده خواهد شد، انباشت کنند. از آنجایی که این گروه از مدیران نسبت به مدیران بدبین همواره از سطح محافظه‌کاری حسابداری کمتر و سطح خطای بیشتر در پیش‌بینی سود برخوردارند، می‌توان اذعان کرد که بیش اعتمادی مدیریت همواره منجر به ارائه اطلاعات غیرواقعی و در بعضی مواقع به دستکاری یا مدیریت سود، می‌گردد. پس می‌توان بیان کرد با افزایش بیش اعتمادی مدیران، میزان مدیریت سود افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه "بیش اعتمادی مدیران بر مدیریت سود تأثیر دارد" رد نمی‌شود.

در فرضیه چهارم به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی مدیران و مدیریت سود پرداخته شد. اجتناب مالیاتی نوعی سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است و با یافتن راه‌های قانونی برای گریز از پرداخت یا کاهش میزان مالیات پرداختی مرتبط می‌باشد. مدیریت با انگیزه کاهش بدهی مالیاتی، اقدام به دستکاری در اعداد و ارقام حسابداری نموده و در نتیجه اختلاف بین مالیات ابرازی با مالیات قطعی را کم کرده و اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، هر چه میزان دخل و تصرف در سود بیشتر باشد و اعداد گزارش شده در صورت‌های مالی با واقعیت تطابق کمتری داشته باشند، مدیریت سود واحد تجاری افزایش می‌یابد. پس می‌توان بیان کرد با افزایش اجتناب مالیاتی مدیران، میزان مدیریت سود افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه "اجتناب مالیاتی مدیران بر مدیریت سود تأثیر دارد" رد نمی‌شود.

۱-۵- پیشنهادهای کاربردی

در راستای پژوهش انجام شده و نتایج به دست آمده از آن برخی از پیشنهادها پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود: پیشنهاد می‌شود نهادهای تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری نظیر سازمان حسابرسی، استانداردها را به سمتی پیش برند که منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی و به تبع آن کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش کارایی سرمایه‌گذاری گردد. به سرمایه‌گذاران نیز پیشنهاد می‌گردد به منظور اجتناب از ریسک بالاتر، در سهام شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که کیفیت گزارشگری مالی آن‌ها بالاتر و سهم سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت از کل بدهی‌ها در آن‌ها بیشتر باشد.

سرمایه‌گذاران برای اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری باید به مسئله مدیریت سود توجه داشته باشند. لذا باید برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود از اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و بررسی‌های تحلیلگران مالی و کارگزاران بورس اوراق بهادار استفاده کنند.

تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری باید مقررات و استانداردهایی برای کنترل هر چه بهتر رفتار مدیریت شرکت‌ها در انتخاب روش‌های متعدد حسابداری تدوین کند تا در حد امکان آزادی عمل مدیر در انتخاب چند روش محدود شود.

پیشنهاد می‌گردد نهادهای نظارتی کشور نظیر سازمان بورس اوراق بهادار، در تعریف فرآیندهای نظارتی و تدوین قانون پیامدهای بیش اعتمادی مدیران را مورد توجه قرار دهند، زیرا تصمیمات غیرمنطقی مدیر می‌تواند ریسک‌های شرکت را افزایش داده و آینده آن را به خطر اندازد.

فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود لذا پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذار، قوانینی را تصویب کنند که شرکت‌ها را ملزم کند تا فعالیت‌ها و گزارش‌های مالی خود را به صورت شفاف‌تری افشا کنند.

سیاست‌گذاران، سیستم‌های مالیاتی آینده و استانداردهای حسابداری را به گونه‌ای طراحی کنند که شکاف بین سود حسابداری و درآمد مشمول مالیات کاهش یابد.

پیشنهاد می‌گردد یک سیستم نرم‌افزاری در سازمان امور مالیاتی جهت استفاده در تحقیقات طراحی شود که امکان دسترسی سریع‌تر و دقیق‌تر به سوابق موجود که جنبه محرمانه بودن اطلاعات مؤدیان مالیاتی نیز در آن رعایت شده باشد را فراهم کند.

۲-۵- پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

طی انجام هر پژوهش، ابعاد گسترده‌تر و تازه‌تری از موضوع نمایان می‌شود که می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های بعدی باشد؛ بنابراین، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادی زیر برای پژوهش‌های بعدی ارائه می‌شود:

۱- این پژوهش نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد بررسی قرار داد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این بررسی با لحاظ کردن نوع صنعت آزمون گردد.

۲- در این پژوهش برای محاسبه اعتماد به نفس کاذب از معیار هونگ و همکاران (۲۰۱۶) استفاده شد، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی از سایر معیارهای اندازه‌گیری اعتماد به نفس کاذب از جمله معیار مخارج سرمایه‌ای المندیر و تات (۲۰۰۵) یا معیار حفظ اختیارات مدیر مالندیر و تات (۲۰۰۸) بهره گرفته شود.

۳- تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و مدیریت سود

۴- تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی مدیران و مدیریت سود

۵- تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین اجتناب مالیاتی مدیران و کیفیت گزارشگری مالی

۶- منابع

۱. بحرینی، مریم؛ قنواتی، الهام و مداری، فرشته. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات. همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم مدیریت و حسابداری، اقتصاد و کارآفرینی، اسلامشهر
۲. زینالی، اکبر و آقابگی، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط بین اعتماد به نفس کاذب مدیرعامل با بازده شرکت و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۲ (۱۰)، ۸۷-۶۷.
۳. : آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۴ (۳۱)، ۱۱۸-۱۰۱.
۴. صفری گرایلی، مهدی و رعنائی، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی با کارایی سرمایه‌گذاری و تأثیر ساختار سررسید بدهی‌ها بر این رابطه. فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی. ۵ (۱)، ۹۸-۸۳.

۵. عاطفی منش، رویا و کشاورز، احمدرضا. (۱۳۹۱). نگاهی به تحولات بازارهای مالی ایران و جهان طی سال ۱۳۹۱. مجله اقتصادی، ۱۲ (۷).
۶. عباسی، ابراهیم؛ وکیلی فرد، حمیدرضا و معروف، مرتضی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری شرطی در بورس تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷ (۲۵)، ۲۰۵-۱۹۳.
۷. مشایخی، بیتا و حسین پور، امیر حسین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲ (۴۹)، ۵۲-۲۹.
۸. مهدوی تیله نوئی، علیرضا؛ ذیحی، علی و علی نژاد ساروکلایی، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی در رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت افشای گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۲۰ (۸۰).
۹. مهدی فرد، محمدرضا و رویایی، رمضان علی. (۱۳۹۴). مدیریت سیاسی و قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. ۸ (۲۵).
۱۰. واحدی انور، شبنم؛ نیکبخت، محمدرضا و پاکروان، محمدرضا. (۱۳۹۶). تأثیر جریان نقد آزاد مازاد به واسطه کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۳ (۳)، ۵۹-۴۶.
11. Balakrishnan, K., Blouin, J. & Guay, W (2012), Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency? Working Paper, University of Pennsylvania.
12. Ben-David, I., Graham, J.R., Harvey, C.R. (2013). Managerial miscalibration. Quarterly Journal of Economics, 128(4), 1547-1584.
13. Biddle, G. C., Hilary, G. and Verdi, R. S. (2009). How does Financial Reporting Quality Improve Investment Efficiency? Journal of Accounting and Economics, 48: 112-131.
14. Chae, Soo-Joon; Ryu, Hae-Young. (2016). Managerial Overconfidence and Real Earnings Management: Evidence from Korea. International Information Institute (Tokyo). Information; Koganei Vol. 19, Iss. 11A, (Nov 2016): 5065-5074.
15. Charitou, A. Lambertides, N. Trigeorgis, L. (2007). Managerial Discretion in Distressed Firms, The British Accounting Review, 39 (4), pp.323-346.
16. Chen, S., Lai, S., Liu, C., McVay, S. (2014). Overconfident managers and internal controls. Working Paper, National Taiwan University and University of Washington.
17. Chiz, James A., Gaerner, Fabio, Kausar, Asad, and Watson, Luke (2014), Overconfident and aggressive corporate tax policy, Available at SSRN.
18. Gao, Yu. Han, Kil— Seok. (2018). The Influence of Managerial Overconfidence on Earnings Management. <http://dx.doi.org/10.23839/kabe.2018.33.3.425>.
19. Gomariz, F. C. & Ballesta, J. (2014). Financial Reporting Quality, Debt Maturity and Investment Efficiency. Journal of Banking & Finance, Vol.40, Pp. 494-506.
20. Huang, W., Jiang F., Liu, Z., and Zhang M. (2016). Agency cost, top executives' overconfidence, and investment-cash flow sensitivity- Evidence from listed companies in China. Pacific- Basin Finance Journal, 119 (6), 261 -277.
21. Johnson, E., Kuhn, J.R., Apostolu, B. & Hassell, J.M. (2013). Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. Auditing: A Journal of Practice and Theory, 32 (1): 203-219.

22. Lanis, R. and Richardson, G. (2018), "Outside directors, corporate social responsibility performance, and corporate tax aggressiveness: an empirical analysis", *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, Vol. 33 No. 2, pp. 228-251.
23. Loomis, C. Magnan, M., Nadeau, C., Cormier, (1999). "Earnings Management during Antidumping Investigations: Analysis and Implications". *Canadian Journal of Administrative Sciences*, Vol 16, pp149-162.
24. Mayberry, M.A., Mcguire, S.T. & omer, T.C (2012), "Smoothing taxable income, tax avoidance and the information content of taxable income", Working paper, tax A&M university., M.A., Mcguire, S.T. & omer, T.C (2012), "Smoothing taxable income, tax avoidance and the information content of taxable income", Working paper, tax A&M university.
25. Skala, D. (2008). Overconfident in psychology and finance an inter Mcguire, S. T., T. C. Omer, and D. Wang. 2012. Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference? *Accounting Review* 87 (3):975-1003. disciplinary literature review. *Banki kredyt* 4: 33-50.
26. Verbruggen, S., Christaens, J., Milis, K., (2008). Earnings Management: a Literature Review. HUB Research paper, p. 14.



Analysis Effect of Managers' Overconfidence and Tax Avoidance on the Quality of Financial Reporting Quality and Earnings Management in Listed Companies in Tehran Stock Exchange

Fariba Aghababaei ^{*1}
Saeid Yadegari ²
Ehsan Rajae Zadeh Harandi ³

Abstract

Earnings is considered as one of the most basic and important items of financial statements in financial and economic decisions that are considered by many people. But sometimes managers, in order to maximize their benefits, may report earnings that are inconsistent with the public interest interests of users. Earnings management is the set of actions that managers take to streamline information to achieve specific goals. Financial reporting categorizes company-specific information from a management perspective and presents it meaningfully to users, and investors, potential lenders, and their advisors use it as a basis for decision-making on capital allocation. The main role of financial reporting is to effectively transfer information to outsiders in a credible and timely manner. Based on the above, the present study examines the relationship between managers' overconfidence and tax avoidance on the financial reporting quality and earnings management. In order to achieve the above objectives, four hypotheses were formulated. Therefore, in order to test the research hypothesis, a sample of 130 firms was selected from the firms listed in Tehran Stock Exchange during the period 2013 to 2019. Multivariate regression model based on combined data was used to test the research hypothesis. The results of this study show that there is a negative relationship between managers' overconfidence and tax avoidance on the financial reporting quality, which means that with increasing managers' overconfidence and tax avoidance, the financial reporting quality will decrease; In addition, there is a positive and significant relationship between managers' overconfidence and tax avoidance on earnings management, which means that with increasing managers' overconfidence and tax avoidance, earnings management will increase.

Keywords

Financial Reporting Quality, Earnings Management, Managers' Overconfidence, Tax Avoidance

1. Master of Accounting, University of Shahid Ashrafi, Esfahan, Iran. (faribaaghababae72@gmail.com).
2. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahid Ashrafi University, Esfahan, Iran (Syadegari115@yahoo.com).
3. Master of Accounting, University of Shahab Danesh, Qom, Iran (ehsanrajaeezadeh@yahoo.com).